

# نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب سوده ایران)

سال سوم، شماره ۲۳، دوشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۵۷

## تظاهرات صدها هزار نفر در سراسر کشور

### علیه رژیم استبدادی شاه

در وسیع ترین تظاهرات مردمی در پیشانی از ۱۰ شهر مختلف در همه کشور گشته و رحیمی زندانی

مقتان و شلاق و درفش و کوره های الکتریکی شکجه گاه نمیتواند با خلق سخن بگوید. چنین است که عید مردم را به عزا بدل کرده، صدها زندانی سیاسی را که از ۲۴ روز پیش در اسارتگاهها و بینه های او، خاطر برخورداری از حداقل حقوق انسانی - دست به اعتصاب غذا زد باند، تا یک قدمی مرتکب پیش رانده صدها مادر و خواهر و هسر زندانیان سیاسی را در خیابانهای تهران به قتلان تقاضای ضربات باطوم و جطاق سپرده، عزاران گزروکشاور و دانشجو و استاد و معلم و محصل و کاسب و پیشه ور و روشنفکر و هنرمند را به جرم مبین پرستی و آزادی خواهی به زندانها انداخته و عددا دانشجو را که خواستشان برجیدن کابوس سرنیزه و گارد و تفنگ و باطوم از کلاسهای درس است، به محاکمه کشانده؛ نه حق خواهانها صدها هزار کارگر را ملی یکی دو ماه گذشته بمضاک و خون کشیده، با با بیورش گرازهای وحشی و تحصیل گریستی و بسی کاری و مشقت و پیگرد پاسخ داده، مسند پیکاهای اتحادیه ها و کانونها و جمعیتها و احزاب را از فعالیتها و حقوق صنفی و

سیاسی محروم کرده، به خنک نکستی حزب واحد ساواکی را بر روی صحن انداخته و هر حرکت مترقی هر خواست اصولی هر صدای معترض، هر اندیشه روشنگر و هنرنیت و هدف خلقی و مبین پرستانه را با سرکوب و بیرون و بهمان و تفاوت درهم شکسته یا میخواهد درهم بشکند.

تظاهرات دریاوار روزها را اخیر ثابت کرد که این شیوه های آمریضی دیگر کاری نیست. جنبش عمومی خلق علیه رژیم توطئه های زنگارنگ - ساواکی و هجوم و خشموت گرازهای شاه و وسعت گرفتن روزافزون کورستان شهدای آزادی در حال خیز و تلاطم و پیشرفت است. خبرنگاران نوید در گزارشهای خود شدت و نیروی انفجاری تظاهرات روزهای گذشته را بی سابقه، باشکوه و مقاومت ناپذیر توصیف کرده اند آنها تصریح کردند که این سیل و خروش مردمی اینبار ناشی تر از همیشه دربار و شاه را در شعارهای پر شور و آتشین در نوردید و با ضت های گره کرده تهدید کرد.

در اصفهان تظاهرات خیابانی چند روز پیاپی ادامه یافت. در روز ۹ فروردین - آخر رژیم صفور نظیر شهدای بهی ۳۰ و اتوموبیل های پایی مورد حمله قرار گرفت. تظاهرات روز ۱۲ فروردین اصفهان بیشتر سیای کارگری داشت.

امواج خروشان تظاهرات خلقی و توفانهای اعتراضی سراسر کشور را فرا گرفته است. در کاخ استبداد زلزله افتاده. صدها هزار نفر طی چند روز گذشته در بیش از ۳۰ شهر کوچک و بزرگ به حرکت درآمدند تا از برای فاصله ها، فریاد ای رسواکننده و خود را بهم بیامیزند و انگشتان انبوه خویش را در هم گره بزنند و بر رژیم غارتگر و از رت و ریشه فاسدی که سد هرتحول و پیشرفت و راهزن آزادی است، بتازند. در این جنبش وسیع اعتراضی، بنا به اعتراف خود رژیم تاکنون دهها نفر کشته و مجروح و صدها نفر دستگیر شده اند. اگر سایه خصوصیت رژیم شاه ساواک را با حقیقت پرستی و انصاف و الفت دیرینه آن را با دروغ و تبلیغ و ریا در نظر بگیریم بی شک ابعاد فاجعه و آثار تلفات و صدمات، از این حد بسیار فراتر می رود. اما حتی همین ارتقا م کذب آمیز دامنه فزاینده و اوج و عظمت طغیان مردم و نفرت عمیق و ریشهای آنها را از دار دسته میزغاب ها، زندانبانان و تاجدار عقرب صفی که به زندان امری و نوجنی امپریالیسم مباحات میکند، نشان میدهد.

چهل روز پس از کشتار دهها آزادیخواه در قم، رژیم داغ لعنت خیز شاه صدها زن و مرد کودک و پیر و جوان را در شهر قهرمان تبریز به خاک و خون کشاند و چهل روز پس از قتل عام بی شماری تبریز با گلوله و سرنیزه و تازاشک آور به ندای آزادیخواهان مردم به ستوه آمده سی شهر پاسخ گفت. با این چابکی و وقاحت در خنریزی، تعداد قربانیان و ابعاد فاجعه استبداد فسرده جقدر خواهد بود؟

دیكتاتور اصال با گلوله و مرک و خون به خلقهای ما عیدی شاهانه داد. او یکبار دیگر به روشنی نشان داد که بین او و خلقهای ما دریائی از خون فاصله است که هر روز ظرف تو بهینا تر میشود. کشتی بادبان شکسته این فرزند زنی امپریالیسم و ارتجاع اینک بر این دریای گلگون که چشمه ها و نهلهای خون آزاد و مبین در آن میریزد، سرگردان است و ضحاک عقل باخته دوران، در توفان پر موج و نیروی خشم و قیام خلق که هر دم توانا تر و سرکشن تر میشود، با بربریت پر حقارت و ترس و بزدلی سخاوت - آمیزی میخواهد راه بگشاید. اما او جز با جویبه های اعدام و

از سازمان های سیاسی و نیروهای مخالف رژیم در موقعیت کنونی به تنهایی قادر نیست این گرک ها را تیر خیزد و از پا در آورد. در حالیکه مبارز توده ای مرزنده چریک آزاد یخواه ملی و مجاهد مذ هبی همه زیر یک یک ضربه اند و در یک شکنجه گاه صلاحی میشوند در یک بیدارگاه عقوبت میگیرند و در یک زندان می پوسند و از یک سیاست و آئین آسیب میبینند و از یک سرنیزه زخم بر میدارند و از یک سرنوشته رنج میبرند و در شرایط استبداد فاشیستی موجود - هائپ و آلام همانندی دارند هر نیروئی که از بیگانگی سرتابد به مرز صبر و در نهایت آب به آسیاب دشمنان خلق میریزد.

فقدان یا کم توانی و محدودیت سازمانهای صغی و سیاسی را تنها با اتحاد عمل و احتراز از زهریاشی تفرقه اندازان در هر لباس و سلك و عقیده و پایگاه اجتماعی میتوان پوشاند. امروز کلام -

جدائی از مردمانی که بیرون آید و تیفی است که برتن خلق می نشینند. دستهایی که دانسته یا ندانسته چنین تیفی را برداشته از دامن جنبش توده ها و عرصه مبارزاتی که به آغاز آن پیش از نمایان آن نزدیکیم و باید دو کنیم. جنبش اوج که خلق نباید مارا شنفته و سحر کند و نظرم را از خطر عظیمی که در وجود رژیم درنده و سرد و گرم چشیده نام ساواک در کین است منحرف سازد. با ایمان قاطع به توانائی و حقانیت پیروزنده خلق و این خطر را در هر لحظه و هر حرکت باید در مد نظر داشته باشیم و برای مهار کردن آن در پیوندی هر چه فشرده تر و از بیراهه رفتن ها از شناختن زدگی ها و غرضیدن به خویش هیچ روی های بیرون گویی درون را خرابکاری و ماجراجویی هایی که انرژی انقلابی توده ها را در هجوم های عبت و بی نظایده به هدف های فرضی تر به هدر میدهد و از آماج قرار دادن مظاهر کم رنگ و اهداف پراکنده و نامشخص به جای بنیاد های اساسی رژیم و مظاهر واقعی آن بهره میزنیم.

بهم خوردن موازنه قوا در جامعه ما به نفع نیروهای دموکراتیک ملی و به زیان رژیم دیکتاتوری و مصلحت ترین شرایط عینی را

برای واداشتن در دو صبه دیکتاتوری به عقب نشینی های روز افزون وین و قه تا مرحله سرنگونی کامل آن فراهم آورده است. هوشیاری و وحدت عمل همه نیروهای ضد دیکتاتوری و خواهان استقلال و آزادی و صرف نظر از عقیده و مرام و خواستگاه آنها در بهره گیری از این شرایط مساعد نقش قاطعی دارد.

حزب توده ایران که همواره و بدون تزلزل لزوم اتحاد همه نیروهای آزاد یخواه و میهن پرست و ضد استبداد را برای برانداختن استبداد فاشیستی در محض رضا شاه مورد تأکید قرار داده است از همه نیروهای مترقی و ضد رژیم دعوت میکند که با تمام قوا برای سوق بیشتر توده ها به مبارزه و فک آیدن بر مسائل درون جنبه ضد دیکتاتوری و همه صافی و ابتکارات خود را بکار برند و در این بکار سرسختی و پیگیری نشان دهند.

در آبادان مردم لوحه یا بود رضاشاه قدر را که هنوز پرده برداری نشده بود مورد حمله قرار دادند و پرده های پیرامین آن را سوزاندند در بابل صدها نقابدار شهرو را با غریب "مرگ بر شاه" به لرزه در آوردند و یک طاق نصرت دولتی و لانه حزب شده فرموده رستاخیز را در عم کوبیدند. در زنجان تاجی کسبه و مغازه دارها به عنوان اعتراض تعطیل کردند. در مشهد نمایشات اعتراضی مردم که وسعت و انبوهی تهدید کننده های داشت بارها با یورش گرازهای شاه و پرتاب گاز اشک آور متفرق و دوباره تشکیل شد. در روز چهارم شهید ای تبریز در مشهد مغازه ها تعطیل بودند.

در تهران علاوه بر نمایشات اعتراضی خیابانی، بیش از چهل هزار نفر در مراسم عزاداری بازار که در محاصره کامل افواج نظامی و سرنیزه داران و مسلح بدست ها برگزار شد گرد آمدند. مسجد آذربایجانی ها قلب پرتیش این اجتماع اعتراض آمیز بود و سخنرانان خواستهای - مردم را که خروش تأیید آمیز آنها همراه بود، به این شرح خواندند: - بازگشت قانون اساسی و آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت تبعید شدگان آزادی بیان و قلم و اجتماعات . . .

در کاشان هزاران کارگر کارخانه های ریسنده گی و بافندگی و مغل و اپریشم کاشان کارخانه ها را تعطیل کردند و به صفوف عظیم تظاهر کنندگان و اجتماعات معترضین پیوستند. حضور کارگران در حجم عظیم آن به خروش کاشان رنگ تنه و حرکت پرشوری بخشید. تظاهر کنندگان که با شعار "ما شاه نمی خواهیم" در خیابانها حرکت میکردند مورد هجوم گراهای صلح قرار گرفتند.

در قم با گاز اشک آور و جوب به اجتماع مردم ناخشنده اما هر بار که جمعیت از هم می گسست و در نقطه دیگری بهم جوش میخورد. در یزد تظاهر کنندگان با شعار مرگ بر شاه و تابلوهای روزنامه های ساواک زده اطلاعات و کیهان و رستاخیز را خرد کردند. صبح روز دهم فروردین یزد کاملاً تعطیل بود. تظاهرات دیگر شهرها حرکت و رنگی نظیر این داشت. همه این نمایشات و اجتماعات سیاسی مضمون بیگانه ای داشت که در گلهای سرخ شمارهای ضد دیکتاتوری می شکفت و عطر افشانی میکرد.

بلندگوهای روسپی وار و روزنامه های گوسفندی رژیم با عجز و بلاغت کوشیدند تا با تحریف واقعیات و سازش و پرده پوشی و عظمت این جنبش اعتراضی را انکار کنند و از نیروی توده ای فاشاگر آن که زنده ترین سند محکومیت این رژیم ضد خلق و ضد دموکراتیک و ایران بر باد ده است بگهند. اما توفان بزرگتر از آن است که در روزهای کثیف آنها حبس شود.

تظاهرات گسترده روزهای اخیر با فک رسائی بود که نیروی - لایزال توده ها را در اتحاد و پیوند آنها به ظهور رساند. در شرایطی که رژیم فروردین منوری تر و پوک تر میشود و آخرین قطره های قوه حیاتی خود را از دست میدهد، تنها مدد و ضامن ما برای به زانو در آوردن آن همبستگی و اتحاد عمل ماست. هیچ یک

پیروز باد مبارزه قهرمانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضاشاه